

کلاسی که معکوس بود!

محمدرضا معینی

۶۱۱

مشهور است که مرحوم شیخ حسن بن زین الدین (متوفای ۱۰۱۱ ق)، فرزند شهید ثانی، و مرحوم سید محمد بن علی (متوفای ۱۰۰۹ ق)، نوه دختری شهید ثانی، از جبل عامل لبنان برای استفاده از محضر مرحوم مقدس اردبیلی عازم نجف اشرف شدند. وقتی به نجف رسیدند و پرس و جو کردند، فهمیدند که دوره درسی مقدس اردبیلی بسیار طولانی است و سال‌ها طول می‌کشد. این دو عالم بزرگ به دلیل اینکه در وطن خود وظایف و موقعیتی داشتند، نمی‌توانستند مدت زیادی در نجف توقف کنند. لذا تصمیم گرفتند چاره‌ای بیندیشند تا هم از دریای علم مقدس اردبیلی استفاده کنند و هم مدت زیادی از شهر خود دور نمانند. با همین هدف به خدمت مقدس اردبیلی رسیدند و به ایشان پیشنهاد دادند که ما خودمان دروس را می‌خوانیم و مباحثه می‌کنیم. هر جا بحث دقیق بود و یا برای ما قابل درک نبود، اشکالاتمان را مشخص می‌کنیم و هر روز ساعتی مزاحم شما می‌شویم و سؤالاتمان را از محضر شما می‌پرسیم. مرحوم مقدس اردبیلی که آثار استعداد و روحیه تلاش و علم‌آموزی را در این دو شاگرد می‌دید، از این پیشنهاد بسیار استقبال کرد. نقل است که برخی از شاگردان مقدس اردبیلی به این دو شاگرد اشکال می‌گرفتند و کارشان را نادرست می‌دانستند ولی استاد به آن‌ها می‌گفت: «دیر نباشد که شهرت این دو نفر آفاق را پر کند؛ در حالی که شما هنوز در همین جا مشغول تحصیل هستید!»

شاید اولین بار که در مورد کلاس معکوس شنیدم، کمتر از دیگران تحت تأثیر این ایده آموزشی قرار گرفتم؛ زیرا از روز اولی که تصمیم به تحصیل علوم حوزوی گرفته و پا در این مسیر نهاده‌ام صدای استادان همواره در گوشم طنین‌انداز بوده است که «به درس استاد اکتفا نکنید؛ طلبگی بدون پیش مطالعه به درد نمی‌خورد. طلبه باید خودش درس را بخواند و در کلاس اشکالاتش را برطرف کند و...» از خاطرم نمی‌رود که از اولین توصیه‌های همه استادان بزرگی که از محضرشان استفاده کرده‌ام، این بوده است که حتماً پیش از حضور در جلسه درس مطالعه کنید و حتی با دوستانتان در مورد مسائلی که قرار است در جلسات بعدی مطرح شود، بحث و گفت‌وگو کنید و وقتی سر جلسه حاضر می‌شوید، بکوشید نقاط ابهام خود را اصلاح کنید. در واقع، کلاس درس همواره برای من به‌عنوان محلی برای پرسش و پاسخ و تعمیق مباحث درسی تعریف شده است نه جایی برای یادگیری همه چیز. در نظام حوزوی، اغلب طلبه‌ای مورد توجه استادان قرار می‌گیرد که «مستشکل» باشد؛ یعنی وقتی سر درس حاضر می‌شود ذهنش پر از سؤالات و اشکالات چالشی نسبت به درس باشد و توانایی درگیر کردن کلاس را داشته باشد. واضح است که همه خصوصیات بیان شده برای «کلاس معکوس» قابل تطبیق بر نظام سنتی



تحصیل علوم در حوزه‌های علمیه نیست ولی می‌توان ادعا کرد که شیوه‌ای که علمای مسلمان در طول قرون متمادی با آزمون و خطا به آن دست یافته و آن را پرورانده‌اند و امروز آن را به طلاب جوان توصیه می‌کنند، شباهت انکارناپذیری به روش معکوس دارد. البته نمی‌توان نقش فناوری اطلاعات را در نقش‌دهی به ایده کلاس معکوس نادیده گرفت؛ ابزاری بسیار کارآمد که فرایند انتقال محتوا به دانشجویان را به نحوی استثنایی تسهیل کرده است.

در واقع، کلاس درس همواره برای من به‌عنوان محلی برای پرسش و پاسخ و تعمیق مباحث درسی تعریف شده است نه جایی برای یادگیری همه چیز

در قدیم، که خبری از ضبط و نوار و... نبوده، توصیه معمول بسیاری از طلاب و روش مرسوم میان آنان، پیش‌مطالعه و آماده کردن درس پیش از حضور در محضر استاد بوده است و آن‌ها برای این کار از کتب شروع و حواشی استفاده می‌کردند. در دوره‌های جدید و پس از پیدا شدن نوارهای دروس حوزوی، نیز طلاب زیادی هستند که دروس خود را با استفاده از نوار می‌خوانند و برای رفع اشکال و پرسیدن سؤالات فراتر از متن کتاب به سراغ استادان می‌روند.

امروز حوزویان نیز با استفاده از همین ابزارهای نوین، امکانات بسیار متنوعی برای خود فراهم آورده‌اند؛ از نرم‌افزارهای چندرسانه‌ای آموزش دروس حوزوی گرفته تا پخش دروس در شبکه‌های ماهواره‌ای و سایت‌های متعددی که دروس سطوح مختلف بر روی آن‌ها قابل دسترسی است.

